

خط قرمز؛

موازنه میان تکرر و انسجام سیاسی

○ مسعود رجیبی اردشیری
کارشناس ارشد جامعه شناسی
(Sarrica @ hotmail.com)



○ درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی
○ اصغر افتخاری (با مقدمه دکتر محمد رضا تاجیک)
○ مرکز بررسی‌های استراتژیک
○ ۱۳۸۱، ۳۹۱ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه

این کتاب همان گونه که از عنوان آن پیدا است سعی می‌کند به مباحث فلسفه‌ی سیاسی حول مسئله «خط قرمز در رقابت‌های سیاسی» غنا بخشیده و وضعیت عینی آن را در تاریخ سیاسی معاصر ایران بررسی نماید. مؤلف در بخشی از کتاب خط قرمز را این گونه تعریف می‌کند: خط قرمز عبارت از حدودی است که تخطی از آن یک نظام را به غیر آن تبدیل می‌کند؛ به عبارت دیگر هر نظام سیاسی گفتمانی خاص خود دارد که معرف هویت منحصر به فرد آن نظام می‌باشد و همین گفتمان است که به طور طبیعی «غیریت زا» بوده و آن نظام را از موارد دیگر مجزی می‌سازد.

از این منظر خطوط قرمز در فضایی مابین گفتمان نظام و قانون اساسی در ساختار «انتظام ملی» قرار می‌گیرند. (ص ۳۳-۱۳۲). ساختار انتظام ملی در نگاه نویسنده عنوانی است که بر لایه‌های مختلف حقوقی در یک نظام دلالت دارد و در مجموع بیانگر چگونگی ایجاد انتظام در گستره ملی است.

دو مقدمه و چهار فصل شالوده کتاب را تشکیل می‌دهند. مقدمه اول با عنوان مقدمه دبیر هیئت علمی از دکتر محمد رضا تاجیک بحث نظری جامعی را در خصوص مسئله خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی ارائه می‌دهد. در این مقدمه این گونه بیان شده است که خطوط قرمز در هر جامعه‌ای اگر چه حامل نظام صدقی و ارزشی آن جامعه بوده و در هاله‌ای از قداست و طهارت قرار دارند لکن در تحلیل نهایی اموری اعتباری و قراردادی‌اند. تاریخ هیچ نظام و جامعه‌ای را به خود ندیده است که بنیان هستی خود را در تعریف و تثبیت خطوط قرمز قرار نداده باشد.

تاجیک معتقد است که در جوامع مردم سالار و توسعه یافته؛ خطوط قرمز آنگاه که درونمایه و سوبه‌ای قانونی - عرفی می‌یابند، در چهره عملیاتی - اجرایی ظاهر می‌شوند. در نتیجه‌ی این وضعیت، خطوط قرمز در این جوامع از جنس قانون‌اند و اقتدار خود را در پرتو عالی‌ترین قوانین مصوب کسب می‌کنند. وی در تحلیل شرایط حاضر جامعه ایران، از وجود نوعی جنگ قرائت‌ها و آموزه‌ها بین بازیگران و هویت‌های متکثر سیاسی خبر می‌دهد. این نزاع‌ها فضای کدر و پرهرج و مرجی را موجب شده است که ارائه‌ی یک تعریف عام از خطوط قرمز را ناممکن ساخته است. نویسنده در تبیین این وضعیت می‌گوید: «پنداری جاده عبور ممنوع و غیرقابل تعرضی وجود ندارد.» تکامل نیافتن فرایند تحزب، طبیعت ملوک الطوائفی مناسبات سیاسی در ایران، وجود روحیه تمامیت خواه، قانون ستیزی، نظم گریزی، استبداد زدگی و فرهنگ سیاسی نابالغ از عوامل پدید آورنده این وضعیت برشمرده شده‌اند.